

گفت‌و‌گو با محمدنبی حبیبی دبیرکل موقوفه اسلامی

وصف‌العیش نصف‌العیش

گروه سیاسی، احسان مازندرانی: اصولگرایان و احزاب آنها ایامی است خوشی به خود ندیده و آسمان و زمین دست به دست هم داده تا میانه آنان شکر آب شود. یک‌سو احمدی‌نژاد است که از جنوب شرق ایران‌زمین برایشان پیغام می‌فرستد که حق دخالت در امور جاری را ندارد و دیگر سو وکلای اصولگرای ملت در مجلس هستند که به طرق مختلف و بهانه‌های گوناگون از مصوبات مجلس گرفته تا نظارت بر اجرای قانون همدیگر را مورد سرزنش قرار می‌دهند. لیکن احمدی‌نژاد هنوز به اصولگرایانی که همه آنچه را که در چنته داشتند، گذاشتند و در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم از او حمایت کردند سهم که هیچ، اعتنایی هم نمی‌کند. اسفندیدار رحیم‌مشایی رئیس دفتر رئیس‌جمهور شرایط ویژه‌ای برای آنها خلق کرده و اصولگرایان نمی‌دانند بر او و مواضع‌اش نقد کنند یا از احمدی‌نژاد خبر دهند گیرند که حمایت تا کیچا؟ گفت‌وگو با محمدنبی حبیبی دبیرکل موقوفه اسلامی درباره روزهای ناخوش اصولگرایان انجام شد و البته جای تقدیر دارد که او با ادبیات محافظه‌کار گونه خود، اما با حوصله فراوان پاسخ می‌دهد و چالش را نیمه‌کاره رها نمی‌کند. سال گذشته بود که برای گفت‌وگو با آقای دبیر کل قدیمی‌ترین حزب اصولگرا به دفترش رفته بودیم؛ به جز یک کولر گازی تقریباً همه چیز ساده بود؛ در این یک سال گذشته دفتر حاج آقا مزین به یک دستگاه تلویزیون ال‌سی‌دی هم شده بود. مارک معروفی نداشت، چینی بود…

—سناپ آقای حبیبی، به‌عنوان اولین سوال می‌خواهم بپرسم چرا حزب موقوفه را تعطیل نمی‌کنید؟

تعطیل نمی‌کنیم؟!

—بله!

(مکث) شما دلیلی دارید که باید حزب را تعطیل کنیم؟

—بله! در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری نهم و همچنین پس از حمایت بی‌چون و چرای شما از آقای احمدی‌نژاد، ایشان در پیامی از کرمان اعلام کردند که «احزاب حق دخالت در امور کشور را ندارند.» با این وجود وقتی کاندیدای شما چنین پیامی را (ارسال می‌کنند، مداوم کار حزبی چه معنایی دارد؟ من چنباطی را به مطالعه اسانستم و مرامنامه حزب موقوفه دعوت می‌کنم. به نظر ما یک دور مطالعه جواب خود را خواهید گرفت. —شاید هر تشکل سیاسی در ابتدا اهدافی برای خود متصور شده باشد. وجود مرامنامه دلیلی بر عدم نیاز به این پیام نیست.

آنچه در اسانستمه سال ۱۳۴۲ آمده، این است که هدف ما تشکیل جامعه نمونه اسلامی است. این آرزوی سال ۱۳۴۲ موقوفه در سال ۱۳۵۷ تحقق یافت. تا آن زمان برای تحقق آن تلاش می‌کردیم و همه هزینه‌های آن را هم به جان پذیرفتیم. پس از پیروزی انقلاب، مسئولان موقوفه تصمیم گرفتند ظرفیت خود را در اختیار حزب جمهوری اسلامی قرار دهند. پس از تعطیلی حزب جمهوری اسلامی، سرنام موقوفه و مشخصاً آقای عسگر‌اولادی با حضرت امام دیداری داشتند و از امام پرسیدند پس از تعطیلی حزب جمهوری ایا صلاح می‌دانید کار موقوفه را به‌عنوان یک تشکیلات حزبی ادامه دهیم یا خیر، که حضرت امام فرموده بودند من به همان طریق سابق کار خود را ادامه دهید. پس از رحلت حضرت امام، شورای مرکزی در سال ۱۳۶۹ خدمت مقام معظم رهبری رسیدند و ایشان هم با تأیید عملکرد موقوفه بیانات مشروحی راجع به مشخصات این حزب ارائه دادند. پس از پیروزی انقلاب مهم‌ترین نغدغه موقوفه به کار گرفتن همه ظرفیت حزبی برای حفظ کیان نظام جمهوری اسلامی بوده است. در عین حال من تأیید می‌کنم وقتی ما حزبی تشکیل می‌دهیم، علی‌القاعده باید در مجلس، دولت، شورای اسات و بر در جای دیگری که با انتخاب مردم نهادهی شکل می‌گیرد، حضور موثر داشته باشیم. معتقدم این مساله را بایدید یک فصل هم ضروری هر حزبی تلقی کرد. وقتی شما احزاب و انتخابات را در کنار هم قرار می‌دهید بحث فصلی بودن کار کرد احزاب آن هم در ایام انتخابات پیش می‌آید. به همین دلیل این شایبه به وجود می‌آید که تنها در زمان انتخابات سراغ شما را می‌گیرند. شما به هدف ما قبل و پس از انقلاب توجه کنید. ممکن است این سوال یک پیش‌آید که کلیات نظام برای موقوفه مهم است و آیا شما نمی‌خواهید در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شرکت کنید؟ که باید بگویم ضمن اینکه هدف ما حفظ نظام است اما این وظیفه مهم‌ترین ما را در حضور در نهادهای انتخابی بازدارد و تاکنون هم باز نداشته است.

—دستیابی به قدرت از اهداف هر تشکل سیاسی است اما فکر نمی‌کنید پس از رسیدن به قدرت باید از قدرت برخوردار باشید؟

به نظر من قدرت فی‌نفسه نه خوب و نه بد است.

—پس چرا برای رسیدن به آن تلاش می‌کنید؟

به کار گرفتن این پتانسیل برای رسیدن به هدف مشخصی که ما آن را پیاده کردن احکام‌الهی می‌دانیم، یک کار تمام‌عیار حزبی است. اگر این قدرت در خدمت آن موضوع قرار گرفت خود این قدرت مقدس است. اما اگر این قدرت در راهی مقابل راه پیاده کردن احکام به کار گرفته شد، حتماً نامقدس می‌شود. بنابراین قدرت مثل چاقو است. با آن هم می‌شود میوه پوست کند و هم می‌شود شکم کسی را درید.

—شما میوه پوست کندی‌اید یا شکم دریده‌اید؟

در هر صورت ما معتقد به فراهم کردن قدرت برای پیاده کردن احکام‌الهی با محوریت ولی فقیه هستیم. در همین جا تمایزاتی بین ما و احزاب به وجود می‌آید. ما می‌گوییم برای اینکه به پیاده شدن احکام‌الهی کمک کنیم باید یک عیار مشترک باشیم. اقتدار را در خدمت پیاده شدن احکام‌الهی قرار می‌دهیم. ما جاهایی می‌بینیم که قدرت برای ثروت است و این قدرت در راه امیال شخصی و گروهی به کار برده می‌شود.

—مثالی هم برای آن وجود دارد؟

در خارج از کشور…

—منظورم داخل کشور بود.

معتقدیم برخی احزاب مانند حزب توده در همین کشور به وجود آمده‌اند و قدرت یافتند اما تمام ظرفیت آنها در وابستگی به قدرت خارجی به کار گرفته شد. —منظور شما از قدرت، برای یک قدرت خارجی است؟ نه. اصولاً وقتی می‌گوییم قدرت برای قدرت یعنی هم راه و هم هدف یکی است. اگر قدرت برای قدرت باشد، هر شخصی صرف‌نظر از مصالح کشور باشد این مصداق قدرت برای قدرت است.

—جران‌های سیاسی که در سال‌های اخیر به وجود آمده‌اند مانند رایحه خوش خدمت، آیا در همین مسیر قدم برمی‌دارند؟

رایحه خوش تا جایی که اطلاع دارم هنوز به صورت یک حزب رسمی شانسمه‌دار که مراحل ثبت در وزارت کشور را طی کرده باشد، نیست.



داشتم. اما آقای رئیس‌جمهور اصلاً از ما نظر نخواستند، ما هم نظر ندادیم.

—در دوره دهم چطور؟

بله. به دلیل تجربه چهار ساله ریاست‌جمهوری ایشان روشن چون کلیات آن در ذهن‌مان بود.

—احتمالاً در دوره دهم به این نتیجه رسیده بودید که از شما نظری نمی‌خواهند.

بله. در دوره دهم حتی برای این فهرست وقت هم صرف نکردیم چون کلیات آن در ذهن‌مان بود. —احتمالاً در دوره دهم به این نتیجه رسیده بودید که از رایحه خوش خدمت است. به هر حال جرانی که لیدر آن رئیس‌جمهور باشد به نظر قدرتمند می‌آید.

من در اینکه بین آقای رئیس‌جمهور و رایحه خوش یک ارتباط تنگاتنگ و نزدیک وجود دارد یا شما هم‌نظر هستم اما آنچه فکر می‌کنم دوستان ما در رایحه خوش باید انجام دهند این است که در صورت رسمی اعلام موجودیت کنند، مراحل

ثبت در وزارت کشور را تمام کنند و در سراسر کشور هم ضرورت دارد که اگر واقعاً قصد حزب شدن دارند (که دارند) با یک کار تشکیلاتی فعالیت خود را گسترش دهند اما یک کنترل هم باید روی ظرفیت‌های رایحه خوش در استان‌ها به وجود آید.

—چرا؟

الان در برخی استان‌ها می‌بینیم دوستانی که به‌عنوان رایحه خوش بدون یک تشکیلات رسمی فعالیت می‌کنند با استاندار

همان استان که منصوب دولت هم هست، اختلاف‌نظرهایی دارند یا در برخی استان‌ها، دوستان عضو رایحه خوش در مواردی چند گروه هستند.

—پس این جریان با توجه به عملکردش در این چند سال به قدرتمند علامه‌مند است.

من برخی کسانی را که از رایحه خوش در استان‌ها و تهران قدرت پیدا کردند، می‌شناسم. قبول دارم ادعای آنان مبنی بر اینکه تشکیلاتی در خدمت جمهوری اسلامی باشند، کذب نیست

و خیلی از اینها مدتی هم معتقد هستند، منتها چون اطلاع کامل از سختی اداره یک حزب دارم طبیعتاً برای اینکه بین خود آنها اختلافات به وجود نیاید یا اگر وجود دارد کم شود، توصیه من این است که به صورت رسمی اعلام موجودیت کنند و مراحل قانونی را برای تشکیل حزب خود طی کنند. البته من اشکالی هم نمی‌بینم که بین احزاب اصولگرا در روش‌های اداره کشور اختلافاتی وجود داشته باشد.

—تفقدت‌های این جریان علامه‌مند به قدرت برای قدرت است یا خقیقاً؟

من چنین استنباطی از برخی اشخاصی که در رایحه خوش می‌شناسم ندارم.

—اما این اتفاق برای شما به‌عنوان احزاب اصولگرا افتاده است. منظورم از شما جبهه پیروان خط امام و رهبری است که یکپارچه از آقای احمدی‌نژاد حمایت کرد. شواهد نشان می‌دهد رایحه خوش محوریت قدرت در جریان اصولگرا را در دست گرفته و تاکنون که یک سال از دور دوم و پنج سال از حضور احمدی‌نژاد در قدرت گذشته، سهمی به سایر اصولگرایان نداده است.

ببینید من معتقدم اول به یک سوال مهم باید پاسخ داد که آیا موقوفه و جبهه پیروان، در زمان اعلام رسمی حمایت، سهمی هم از دولت دهم می‌خواستند یا خیر…

—شما بارها اعلام کرده‌اید سهم نخواستند، اما می‌بجئی وجود دارد به نام «صالت نفع از قدرت».

اما شما در موقوفه به ذهن‌مان حتی خطوط تکره که از احمدی‌نژاد حمایت کنیم به شرطی که سهمی هم به ما بدهند. در تمام ملاقات‌های قبل از انتخابات که با آقای احمدی‌نژاد در قالب جبهه پیروان داشتیم حتی یک شرط کوچک هم به ما ندادند. چون اصلاً شرطی نداشتیم. ممکن است بپرسید این چند تشکل برای چه از احمدی‌نژاد حمایت کردند؟ خوب او هم مانند هر رئیس‌جمهوری یک‌سری خصوصیات منفی و یک‌سری خصوصیات مثبت داشته. جمع جبری ما این بود که در مقایسه با نامزدهای دیگر امتیازات بیشتری دارد. دوم اینکه به این نتیجه رسیدیم که اگر می‌خواهیم جریان اصولگرایی پیروز شود، نمی‌توانیم از موضوع رای‌آوری بگذریم و اما مهم‌تر از اینها این بود که عده‌ای در داخل و همچنین دشمنان خارجی برای شکست جریان اصولگرایی و احمدی‌نژاد تلاش می‌کردند.

—وجود این مساله در بحث داخلی از نظر شما ایرادی دارد؟ اگر موازین رقابت رعایت شود هیچ مسأله‌ای نیست. کسی که نامزد می‌شود باید قبول کند عده‌ای هم رقیب او هستند اما راقبایت آنجایی رنگ نامطبوعی به خود می‌گیرد که تبدیل به تحریب شود.

—البته این سو هم از تحریب دریغ نکرد.

من تحریب را علیه نامزدها کار نادرستی می‌دانم نه فقط یک نامزد خاص، اما در هر صورت استنباط سوم ما این بود که رای‌آوری آقای احمدی‌نژاد می‌تواند نقطه قابل توجهی باشد

و بیشترین به‌صملت مجموعه اقتبال کند. و به نظر خودمان، کاری مبتنی بر رعایت مصلحت انقلاب انجام دادیم. با این حال هیچ‌گونه سهمی از آقای احمدی‌نژاد نخواستیم، نمی‌خواهیم و در آینده هم نخواهیم خواست.

—نمی‌خواهید این در پیروزی آن شما نمی‌دهند؟

ما قبل از اینکه بدانیم چه کسی به ما سهم می‌دهد یا نمی‌دهد این محاسبه را می‌کنیم که ما سهمی نخواهیم یا نخواهیم. بنای ما در موقوفه این بود تا زمانی که ایشان که درخواست اظهارنظری نکنیم. در دوره نهم ما مثل هر دوره‌ای که هر کس رئیس‌جمهور می‌شد حتی دوره آقای خاتمی، بررسی‌های خود را انجام دادیم که چه کسانی به درد وزارت می‌خورند. البته خودمان را هم محدود به افراد درون موقوفه نکردیم، فهرستی محرمانه تهیه شد و او از نزد خودمان نگه



ما چنین آماری نگرفتیم که حضور ما در پشتیبانی از آقای احمدی‌نژاد چند درصد به رای ایشان اضافه کرد…

—شما از اول انقلاب تاکنون در همه انتخابات‌ها حضور داشته‌اید. درست است؟

بله.

—بسیار خوب. همین حضور شما در انتخابات‌های مختلف می‌تواند این را به شما نشان دهد که پشتوانه رای شما چه اندازه است؟

اگر ما بخواهیم به این عدد برسیم باید در یک زمانی حتی مستقل از تشکل‌های اصولگرا، نامزد معرفی کنیم و ببینیم به نامزد مستقل حزب موقوفه اسلامی چند درصد رای می‌دهند.

—اصلاً چرا موقوفه؟ —درباره جبهه پیروان خط امام و رهبری بحث می‌کنیم. فکر می‌کنید سید رای این جبهه که تشکل‌های مهم اصولگرا را در خود جای داده است، چقدر است؟

وقتی این آمار را برای موقوفه نگرفتیم طبیعتاً برای جبهه هم نگرفتاند. معتقد دیگران هم این آمار را ندارند. قبول داریم بیشترین نقش را عملکرد دولت و صحبت‌های خود احمدی‌نژاد داشته است…

—بحث ما درباره عملکرد دولت نیست. ما درباره ظرفیت آرای احزاب اصولگرا گفت‌وگو می‌کنیم. واضح‌تر صحبت می‌کنم: آقای احمدی‌نژاد ۲۴ میلیون رای در انتخابات دهم آورده است، شما چه مقدار از این آرای ۲۴ میلیونی را متعلق به خودتان می‌دانید؟

هیچ آماری نگرفتیم.

—هیچ برآوردی هم ندارید؟

خیر!

—چرا اندک‌اندک؟ شما از سال ۱۳۴۲ مشغول فعالیت هستید. فکر نمی‌کنید باید سید رای خود را بشناسید؟

توصیه شما توصیه خوبی است.

—این توصیه نیست! سوالی است که شما به آن جواب نمی‌دهید. علت عدم پاسخ من این است که تا به حال چنین ارزیابی‌ای نداشته‌ایم.

—این بحث را به این دلیل مطرح کردم که اولین سوالم را درباره بررسی کنیم. چرا آقای احمدی‌نژاد اعلام می‌کند احزاب حق دخالت در امور کشور را ندارند؟ شاید آقای احمدی‌نژاد می‌داند که احزاب اصولگرا سید رای درخوَر توجهی ندارند؟

وقتی کلمه دخالت را مدنظر قرار دهیم من با آقای احمدی‌نژاد هم‌نظر. زمانی هست که ما پیشنهاد و مشورت می‌دهیم، تا اینجا احزاب در ارتباط با دولت آزاد هستند اما وقتی می‌گوییم دخالت یعنی توانه بگوید نامزد من پیروز شده بگوید من یا مانع غیرقانونی اجرای تصمیم دولت می‌شوم یا دولت را به صورت غیرقانونی مجبور به اجرای تصمیم خود می‌کنم. —اما شما طرف مشورت هم قرار نمی‌گیرید.

آنجایی که رئیس‌جمهور اهل مشورت نباشد مورد انتقاد ما هم هست، ولی آنجایی که می‌گوید احزاب نباید دخالت کنند ما هم نظرمان این است. من حتی معتقدم اگر روزی نامزد یک حزب به تنهایی در انتخابات ریاست‌جمهوری رای آورد، در آن صورت حتی آن حزب نمی‌تواند بگوید نامزد من پیروز شده منحصراً از اعضای خودم برای اداره کشور استفاده می‌کنم چون ظرفیت‌های غیرحزبی ما بسیار بالاست و در کشور ما مدیران لایقی هستند که به تجزیه اعتقاد ندارند، در این قسمت بنده معتقدم آقای احمدی‌نژاد هستم که از ظرفیت کشور برای اداره کشور به‌طور کامل استفاده نکرده است.

—از ظرفیت حزبی استفاده نشده یا غیرحزبی؟

به نظر من اصلاً از ظرفیت موجود در کشور به‌طور کامل استفاده نشده است.

—آن ظرفیت‌های مغفول‌مانده کدام هستند؟

افراد و شخصیت‌های لایق غیرحزبی و حزبی.

—اینها چه کسانی هستند؟

اسم نمی‌برم.

—ما که نمی‌دانیم چه کسانی هستند. تعداد زیاد است.

کلیات آن را می‌گویم. در داخل احزاب هم ممکن است افرادی باشند که به دلیل عدم ارتباط آقای احمدی‌نژاد با تشکل‌ها، این ظرفیت هم برای ایشان مغفول مانده است. بنابراین یک انتقاد کلی به آقای رئیس‌جمهور وارد است که از مجموعه نیروهای نظام برای اداره کل کشور استفاده نکرده‌اند. بحث من فقط احزاب نیست. از معرفی‌های ایشان به مجلس هم به راحتی می‌توان تشخیص داد که در انتخاب وزیران نگاه کاملی به ظرفیت کامل کشور نداشته‌اند، در عین حال که در بین وزرای ایشان افراد ذی‌صلاح و توانمند هم هستند.

مثلاً ایشان تصمیم گرفتند در دولت دهم با برخی وزیران دولت نهم کار نکنند. تا اینجا حق رئیس‌جمهور است. اما وقتی ایشان تشخیص به قطع همکاری با مدیری می‌گیرد یک قاعده رای باید رعایت کنند یعنی یک نفر هم‌سطح یا بالاتر از او انتخاب کند. ایشان این مساله را در مواردی رعایت کردند و در مواردی هم رعایت نکردند.

—من باز هم به پرسش خود درباره سید آرای اصولگرایان باز می‌گردم. شما در انتخابات ریاست‌جمهوری هشتم از چه کسی حمایت کردید؟

ما موضع رسمی اتخاذ نکردیم ولی توصیه به رای دادن به نامزدهای اصولگرا کردیم و شخص خاصی را معرفی نکردیم اما در سال ۱۳۷۶ نامزد ما مشخصاً جناب آقای ناطق‌نوری بود.

سال پنجم ■ شماره ۱۰۱۴ شت

—فکر می‌کنید همین تفاوت روش‌ها چقدر تفاوت رای دارد؟ یعنی مردم روش‌های جریان اصولگرا را بیشتر می‌پسندند که به آن رای داده‌اند یا آقای احمدی‌نژاد را؟ مردم عمدتاً به مبانی رای دادند. مبانی اصولگرایی به‌خصوص در دوران دوم خرداد در مواردی مورد هجوم قرار گرفت. آنجایی که شهید را مسخره کردند، شهادت را خشونت گفتند و… همان مردمی که ۲۲ میلیون رای به آقای خاتمی دادند متوجه شدند به بهانه ۲۲ میلیون رای حالا ممکن است شخص آقای خاتمی هم نه اما عده‌ای موج‌سواری ۲۲ میلیونی کنند و به ارزش‌ها هم بتازند. —من متوجه نمی‌شوم چرا شما بحث را به دوم خرداد می‌کشانید. بحث درباره اصولگرایان است.

علت این است که یک تفکیک قابل توجهی اکنون در ذهن مردم برای جریان اصولگرایی و اصلاح‌طلبی به وجود آمده و همین مردمی که به جریان اصولگرایی با سمبل احمدی‌نژاد رای داده‌اند ممکن است برخی با نظر وی درباره بعضی از شئون اقتصادی یا سیاسی موافق نباشند اما من سخت معتقدم همان اتفاقی که در دوم خرداد ۷۶ افتاد و مردم به امید تغییرات به‌خصوص مسائل روزانه با آمدن آقای خاتمی دل بسته بودند…

—فکر می‌کنید اتفاقی نیفتاد؟

مردم فکر کردند اگر به آقای ناطق رای دهند اتفاقی نمی‌افتد. اما پس از آمدن آقای خاتمی مردم پس از هشت سال فکر کردند اتفاقی نیفتاد و مقداری هم به باورهای اصلی آنها لطمه وارد شد. به نظر من آنچه مردم پای آن ایستاده‌اند اصل مبانی نظام است که در رای به اصولگرایان یا برخی از اصلاح‌طلبان متجلی می‌شود. هر وقت هم احساس کنند به آن مبانی لطمه‌ای وارد می‌شود به میدان می‌آیند و مقابل همان کسی که به او رای داده‌اند، می‌ایستند.

—پس از همه این بحث‌ها نکتتید کفه ترازوی آرای شما بیشتر است یا آقای احمدی‌نژاد.

ما و ایشان در مبانی اصولگرایی اختلافی نداریم ولی در روش‌ها ممکن است اختلاف‌نظرهایی فراوان هم داشته باشیم. —بسیار خوب. سراغ محور دیگری می‌رویم. حاج آقا چرا برخی از اصولگرایان آرزوی شکست آقای احمدی‌نژاد را دارند؟

شما از کجا این سوال را درآوردید؟ —آقای مشایی رئیس دفتر رئیس‌جمهور گفته برخی مدعیان اصولگرایی آرزوی شکست احمدی‌نژاد را دارند. ما در رابطه با دولت احمدی‌نژاد بارها اعلام کرده‌ایم پشتیبان اصولی دولت هستیم. الان هم در همین تیرماه سال ۸۹ تکرار می‌کنم ما پشتیبان اصولی هستیم.

—پشتیبانی اصولی یعنی چه؟

یعنی بنای ما بر این است که دولت موفق و خدمتگزار نظام باشد و اگر ظرفیتی هم داریم برای این موفقیت خرج می‌کنیم ولی حق انتقاد را برای خودمان کاملاً محفوظ نگه می‌داریم و در مواردی هم اختلاف سلیقه داریم.

—چس جریان احمدی‌نژاد قصد عبور از احمدی‌نژاد را ندارد؟

چس یعنی در موقوفه تا به حال مطرح نشده است.

—در جبهه پیروان چطور؟

در جبهه پیروان هم بحث عبور از آقای احمدی‌نژاد تا به حال مطرح نشده است اما چون همه به موضوع آقای مشایی اشاره کردید بنده معتقد حمایت بی‌چون و چرای آقای احمدی‌نژاد از مشایی یک خط سیاسی مهم آقای احمدی‌نژاد بوده و هست. —چرا خط؟

بله دلیل اینکه موضوعی که آقای مشایی در موارد مختلف اعلام کردند، مواضع حداقل مبهم و در مواردی هم مخالف اصولی است که ما باور داریم یعنی ایشان وقتی برخی از انبیا را متمم به سومدیریت می‌کنند، یا نمی‌دانند یا خودشان را متمم ندانستند زده‌اند که باورهای قرآنی و اسلامی به‌خصوص انبیای اولوالعزم معصوم هستند. آن وقت ما یک نبی معصوم را متمم به سومدیریت کنیم در واقع مصمت او را زیر سوال بردایم. اما آقای مشایی گاهی اوقات حرف‌های مبهم فلسفی، کلامی و فقهی ارائه می‌کنند که بهترین خدمت به ایشان این است که به ایشان گفته شود در حوزه‌ای که اطلاعات آن را ندارند بهتر است اظهارنظر نکنند.

—اما آقای مشایی اعلام کرده از نوجوانی در این زمینه‌ها مطالعه داشته است.

اگر نتیجه آن مطالعات این باشد که نبی معصوم را خطاکار می‌دانند معلوم می‌شود در مطالعات ایشان هم ایرادات فراوان وجود دارد.

—آقای حبیب، علت عصبانیت جریان اصولگرا سنتی از مشایی مواضع اوست یا حمایت آقای احمدی‌نژاد از ایشان؟ ما هم به حمایت بی‌چون و چرای آقای احمدی‌نژاد از مشایی متعزیریم و به بسیاری از مواضع آقای مشایی

—به هر حال آقای مشایی در جاهایی ظرفیت‌های خود را به کار گرفته که در این ۳۰ سال مغفول مانده بود؛ حضور در شورای ایرانیان خارج از کشور، و دیدار با هدیه تهرانی و سایر یازبگزان روز و… فکر نمی‌کنید همه اینها نوعی ظرفیت‌سازی برای انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم یا کاندیداتوری مشایی باشد؟

این احتمال وجود دارد. وصف‌العیش هم بعضی از مواقع نصف‌العیش است.

—البته آقای مشایی این دیدگاه را درباره جریان اصولگرا دارد. ایشان در جایی گفته: «کسانی که خودشان را میزان اسلام و میزان ولایه می‌دانند یا اینکه خودشان در دنیاى خود جا نمی‌شوند می‌خواهند همه را در دنیاى کوچک و حقیر خود جا دهند و…»

ما معتقدیم هیچ تشکلی حق ادعای منحصر بودن اصولگرایی

به خودش را ندارد.

—شما با مواضعی که آقای مشایی دارد در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم از ایشان حمایت نخواهید کرد؟ (سکوت) شما در نامزد شدن ایشان به یقین رسیدید؟ —یقین نه اما از شواهد چنین برمی‌آید. اصلاً فرض می‌گیریم ایشان نخواهد نامزد شود.

یکی از دوستان مجتهد ما می‌گفت در موارد نادری در حوزه، شخصی پیدا می‌شدند که می‌خواستند شهرت پیدا کنند شخص در حالی که جامع‌القدرت است خواند اطرافیان او می‌گفتند آقای فلان کج مجتهد نیستند اما طوری مطرح می‌کردند که اذهان فکر کنند به نزدیک اجتهاد رسیده است. البته ممکن است در محافل هم بحث‌ها و تحراکاتی شروع شده باشد.

—اما آقای باماجانب چندی پیش اشاره کرد تحراکاتی برای انتخابات ریاست‌جمهوری آینده آرای شده است.

یکی از دوستان مجتهد ما می‌گفت در موارد نادری در حوزه، شخصی پیدا می‌شدند که می‌خواستند شهرت پیدا کنند شخص در حالی که جامع‌القدرت است خواند اطرافیان او می‌گفتند آقای فلان کج مجتهد نیستند اما طوری مطرح می‌کردند که اذهان فکر کنند به نزدیک اجتهاد رسیده است. البته ممکن است در محافل هم بحث‌ها و تحراکاتی شروع شده باشد.

—البته بنده اشتراک دیدگاهی با ایشان ندارم که بخواهم چنین مسأله‌ای را ترویج کنم اما سوالم این است که به نظر شما آقای مشایی در شورای نگهبان تأیید صلاحیت می‌شود؟

از اعضای شورای نگهبان بپرسید.

—من از شما به عنوان یک کارشناس انتخابات می‌پرسم. وصف‌العیش افراد را به هم نزیند، بگذازدی خوش باشند.